

جوانی امام، آزمون دشوار طلوعه ظهور

مصطفی ورمزیار^۱

مرضیه ورمزیار^۲

سید محمدرضی آصف آگاه^۳

چکیده

مطابق روایات، امام زمان علیه السلام هنگام ظهور چهره‌ای جوان دارد که سی تا چهل ساله می‌نماید. در دنیایی که جوانان در تصمیم‌گیری‌های کلان، جایگاهی ندارند و در سطح پایین تر از آن نیز گاهی کمتر به مشورت گرفته می‌شوند، چگونه است که یک جوان در این سن، مورد اقبال عمومی قرار خواهد گرفت و حکومت جهانی تشکیل خواهد داد؟ این پرسش در آستانه ظهور و به مجرد رؤیت سیمای جوان امام عصر علیه السلام به شکل پررنگ‌تری مطرح می‌گردد و انکار و تمرد برخی را در پی خواهد داشت. این تحقیق با روش استفاده از منابع کتابخانه‌ای و نوشتاری و رویکرد توصیفی - تحلیلی، پس از اثبات جوانی آن حضرت در هنگامه ظهور با استفاده از روایات و تعیین محدوده سنی ایشان بین سی تا چهل سال، چگونگی این آزمایش را تبیین نموده و با تقسیم مسئله به دو پرسش، به ارائه راه‌کار، جهت برون رفت از آن‌ها، می‌پردازد. برای سؤال از توانایی جوان در اداره جهان، باور به وعده الهی، توجه به سنت الهی امتحان به حجت در سنین مختلف و وجود موارد مشابه، توجه به شأن و عظمت امام مهدی علیه السلام و توجه به سن واقعی امام مهدی علیه السلام را پیشنهاد می‌دهد و شبهه جوان ماندن امام پس از عمر طولانی

۱. کارشناس ارشد تفسیر و علوم قرآن (نویسنده مسئول) (mova277@yahoo.com).

۲. دانشجوی دکتری اخلاق دانشگاه معارف اسلامی قم.

۳. سطح ۴ حوزه علمیه قم و محقق پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم.

را، از طریق توجه به اطلاع رسانی‌ها و روایات هشدار دهنده، ایمان و باور به قدرت الهی و یادآوری عهد میثاق در کنار راه‌کارهای پیشنهاد شده در پرسش نخست، حل و مرتفع می‌سازد. این تحقیق جز در بخش امامت در کودکی، پیشینه دیگری ندارد.

واژگان کلیدی

امام مهدی علیه السلام، جوان، جوانی امام، ظهور، امتحان‌های عصر ظهور.

مقدمه

خداوند تبارک و تعالی برای هدایت بشر، از آغاز خلقت تا هنگامه رستاخیز، پیشوایانی قرارداده است و مردمان را ملزم به اطاعت از ایشان کرده است (نساء: ۶۴). گاهی برای جدا سازی خط ایمان و اطاعت از تمرد و نفاق، آزمایش‌های دشواری قرار می‌دهد. امتحان و تمحیص از سنت‌های الهی هستند، از جمله این امتحانات که تکرار آن در ادیان گذشته و در اسلام نشان دهنده این حقیقت است که از سنت‌های الهی بوده است؛ آزمایش مردم به لزوم اطاعت از پیامبر و یا امام کم سن و سال است (کلینی، ۱۳۶۳ ش: ج ۱، ۳۸۲). خداوند با این آزمایش، دیر باوران را به چالش می‌کشد به گونه‌ای که از پذیرش حجت خردسال سر باز زنند و تنها مؤمنان خالص نجات پیدا کنند. این سنت الهی در خصوص امام مهدی علیه السلام، در دو مرحله انجام گرفته و می‌گیرد؛ مرتبه نخست هنگام شهادت پدر؛ در سال ۲۶۰ ق و آغاز امامت آن حضرت؛ در سن پنج سالگی رخ داده است و مرحله دوم در آستانه ظهور و پدیدار شدن آن جناب در شمایل جوانی ۳۰ - ۴۰ ساله واقع خواهد شد؛ البته سؤال از کودکی و جوانی حجت خدا، به پرسش از توانایی وی در هدایت و رهبری جامعه بازگشت دارد، پژوهش حاضر، درباره مرحله دوم این آزمایش است که در زمان ظهور به وقوع می‌پیوندد.

جوانی امام زمان علیه السلام هنگام ظهور

امام مهدی علیه السلام در آغاز قیام با چهره‌ای جوان ظاهر می‌شود، روایات مربوط به توصیف چهره و شمایل ایشان هنگام ظهور سه دسته‌اند:

دسته اول بیان‌کننده اصل جوانی ایشان با واژگانی همچون شاب، شاب حدث، شاب موفق، شاب غرنوق، شاب حزور، شرح الشباب و فتی موفق است که اگر چه به سن خاصی اشاره نمی‌کنند؛ اما می‌توان در یک جمع‌بندی، محدوده تقریبی آن را مشخص نمود. گروه دوم سن آن حضرت را به صورت تقریبی بیان کرده و آن را بین سی تا چهل سال



می دانند.

و بالاخره طایفه سوم به شکلی دقیق، سن آن حضرت را اعلان می دارند.

الف) روایات اصل جوانی در هنگام ظهور بدون تعیین سن

شاب

این واژه به صورت انفرادی در دو روایت یکی شیعی (نجفی، ۱۴۲۰ق: ۳۲۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵۲، ۳۸۴) و دیگری از اهل سنت (الدانی، ۱۴۱۶ق: ج ۵، ۱۰۳۸) ذکر شده است؛ ماده «شَبَّ» در لغت، دلالت بر رشد و قوت می کند و از این رو به جوانی که رشد کرده و قوی شده، «شَبَّ» گفته می شود (ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ج ۳، ۱۷۷) نیز به جوان در مقابل پیر بدون تعیین سن خاصی، «شَبَّ» اطلاق می گردد (جوهری، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۱۵۱؛ ابن منظور، ۱۴۰۵ق: ج ۱، ۴۸۰).

طبق گزارش مجمع البحرین در فرهنگ روایی، به سن ۳۰ سال، «شَبَّ» گفته می شود (طریحی، ۱۴۰۸ق: ج ۲، ۴۷۴) و در روایات تعیین سن امام مهدی علیه السلام نیز کلمه «شَبَّ»، در کنار سن چهل سال و کمتر (صدوق، ۱۴۰۵ق: ۶۵۲؛ و ۳۱۵ - ۳۱۶؛ راوندی، ۱۴۰۹ق: ج ۳، ۱۱۷۰ - ۱۱۷۱؛ طبرسی، ۱۳۸۶ق: ج ۲، ۹ - ۱۰) قرارداد شده است. بنابراین می توان نتیجه گرفت که مراد از واژه «شَبَّ» در مورد امام عصر علیه السلام محدوده سنی بین سی تا چهل سال است.

شرح الشباب

این واژه در یک روایت شیعی وارد شده (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۴۲۱؛ نجفی، ۱۴۲۰ق: ۳۳۰) و از جهت لغت به معنی ابتدای جوانی (خلیل الفراهیدی، ۱۴۰۹ق: ج ۴، ۱۶۹؛ جوهری، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۴۲۴) و یا قوت و جدت جوانی است (ابن اثیر، ۱۳۶۴ق: ج ۲، ۴۵۷؛ ابن منظور، ۱۴۰۵ق: ج ۳، ۲۹). و بنابر معنی دوم می توان آن را بر اواخر جوانی و سن ۳۰ - ۴۰ سال حمل کرد.

شباب حدث

این واژه در یک روایت شیعی ذکر شده است (حمیری، ۱۴۱۳ق: ۴۳)؛ اگر چه لغت «شَبَّ» به جوان در مقابل پیر، بدون تعیین سن خاصی اطلاق می گردد؛ اما هنگامی که این واژه در کنار لفظ «حدث» قرار می گیرد، سن را محدود به ابتدای جوانی می کند (خلیل الفراهیدی، ۱۴۰۹ق: ج ۳، ۱۷۷؛ ابن منظور، ۱۴۰۵ق: ج ۲، ۱۳۲).

شباب موفق

این لفظ در سه روایت شیعی آمده است. (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۴۲۰) و (نعمانی، ۱۴۲۲ق: ۱۹۴ - ۱۹۵) و (مقدسی، ۱۴۱۶ق: ۶۹)، واژه «موفق» در بردارنده مفهوم رشد (ابن منظور، ۱۴۰۵ق: ج ۱۰، ۳۸۳؛ زبیدی، ۱۴۱۴ق: ج ۱۳، ۴۸۷) و تناسب اعضاء (طریحی، ۱۴۰۸ق: ج ۴، ۵۲۷) است و هنگامی که همراه کلمه «شباب» بکار رود، به معنی جوانی است که به رشد کامل و تناسب اعضاء رسیده باشد. علامه مجلسی نیز در توضیح واژه می‌گوید:

شاید منظور از موفق، کسی باشد که اعضائش متوافق بوده و خلقتش به اعتدال رسیده باشد و یا منظور کسی است که به میان سالی رسیده و جوانی‌اش رو به اتمام است زیرا در این سن است که انسان توفیق تحصیل کمالات را پیدا می‌کند (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵۲، ۲۸۷).

شباب مربوع

این واژه تنها در یک روایت ظاهراً شیعی آمده است (فتال نیشابوری، بی تا: ۲۶۶؛ قاضی نعمان مغربی، بی تا: ج ۳، ۵۶۵؛ مفید، ۱۴۱۴ق: ج ۲، ۳۸۲؛ طوسی، ۱۴۱۱ق: ۴۷۰). مربوع، در لغت دارای دو معنی است یکی ابتدای جوانی (ابن منظور، ۱۴۰۵ق: ج ۸، ۱۰۶) و دیگری شخص مستوی الخلقه که نه کوتاه قد است و نه بلند قد (خلیل الفراهیدی، ۱۴۰۹ق: ج ۲، ۱۳۳؛ جوهری، ۱۴۰۷ق: ج ۳، ۱۲۱۴). بنابر معنای اول، آن حضرت هنگام ظهور در سنین آغازین جوانی ترسیم می‌شود؛ و بنابر معنای دوم، علاوه بر اشاره به جوانی حضرت، به قد و قامت ایشان نیز اشاره دارد.

شباب حزور

این واژه در نسخه بدل یک روایت شیعی وارد شده است (حلی، ۱۳۷۰ق: ۱۸۲ - ۱۷۸). برای «شباب حزور» در لغت، دو معنا بیان شده است؛ یکی حاکی از عنفوان بلوغ است (ابن اثیر، ۱۳۶۴ق: ج ۱، ۳۸۰) و دیگری به معنای جوان دارای قوت بدنی (جوهری، ۱۴۰۷ق: ج ۲، ۶۲۹؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ج ۲، ۵۵؛ ابن منظور، ۱۴۰۵ق: ج ۴، ۱۸۶) و کمال عقلی است (ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ج ۲، ۵۵؛ ابن منظور، ۱۴۰۵ق: ج ۴، ۱۸۶) و بنابر معنای دوم با روایات دیگر قابل جمع است و قابل حمل بر ابتدای جوانی نخواهد بود زیرا قوت بدنی و فکری در سن حدود سی تا چهل سال حاصل خواهد شد.

شاب غرنوق

این کلمه در نسخه بدل یک روایت شیعی آمده است (خصیبی، ۱۴۱۱ق: ۳۹۶ - ۳۹۲) و از جهت لغت دارای دو معنا است؛ یکی در معنای تام و تمام (فیروز آبادی، بی تا: ج ۳، ۲۷۲؛ زبیدی، ۱۴۱۴ق: ج ۱۳، ۳۷۶) و دیگری زیبا و دلنشین است (خلیل الفراهیدی، ۱۴۰۹ق: ج ۴، ۴۵۸؛ جوهری، ۱۴۰۷ق: ج ۴، ۱۵۳۷؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ج ۴، ۴۳۲؛ ابن اثیر، ۱۳۶۴ق: ج ۳، ۳۶۴) و بنابر معنای تمامیت، مربوط به بحث سن و بیان کننده دوران میانه جوانی و محدوده سنی سی تا چهل سال است.

لا یؤخذ له بالركاب

این واژه نیز در دو روایت شیعی (قاضی نعمان مغربی، بی تا: ج ۳، ۳۷۹ - ۳۸۰) ^۱ و (إثبات الوصیة: ۲۲۳ به نقل از کورانی، ۱۴۱۱ق: ج ۳، ۳۹۰) ^۲ وارد شده است و با توجه به فضای روایت که معصوم علیه السلام، سن خود را با جوانی امام مهدی علیه السلام مقایسه می کند؛ عبارت «لا یؤخذ له بالركاب»، کنایه از جوانی و قدرت امام مهدی علیه السلام است؛ به این معنی که ایشان، جهت سوار شدن بر مرکب، نیازمند کمک نیست. از این واژه نیز سن جوانی تا میان سالی برای آن حضرت متصور می شود.

لیس فی رأسه ولا لحیته طاقة بیضاء

این واژه در یک روایت شیعی بیان شده (قاضی نعمان مغربی، بی تا: ج ۳، ۳۸۰) و کنایه از جوانی آن حضرت است و با روایات تعیین کننده سن ایشان تعارضی ندارد. مجموع روایات این قسمت، به یازده می رسد که با تعبیر مختلف به این واقعیت اشاره دارند که حضرت مهدی علیه السلام هنگام ظهور دارای شمایل جوان است.

ب) روایات تعیین تقریبی سن امام هنگام ظهور

یک روایت در منابع اهل سنت، سن امام مهدی علیه السلام را در وقت ظهور، بین سی تا چهل سال بیان می کند (نعیم بن حماد، ۱۴۱۴ق: ۲۲۶) و روایت دیگر در متون حدیثی شیعه، چهره آن حضرت را در محدوده چهل سال و کمتر از آن ترسیم می نماید (صدوق، ۱۴۰۵ق: ۶۵۲؛ راوندی، ۱۴۰۹ق: ج ۳، ۱۱۷۰ - ۱۱۷۱). سه روایت دیگر نیز امام مهدی علیه السلام را در هنگام ظهور، دارای

۱. «وقیل لبعض الأئمة الماضین: أنت المهدی؟ قال: کیف أكون المهدی، وقد بلغت من السن ما ترون. وأخذ ساعده فمد جلدہ، وقال: المهدی لا یؤخذ له بالركاب (مرسله)».

۲. «وإنه لیأخذ لی بالركاب، وإن صاحبکم یلبس الدرع فتستوی علیه ولا یؤخذ له بالركاب».

شمایلی جوان کمتر از چهل سال معرفی می‌کند.^۱

از این پنج روایات این‌گونه برداشت می‌شود که امام مهدی علیه السلام در وقت ظهور، بین سی تا چهل ساله به نظر می‌رسند و در روایت ششم نیز راوی از امام باقر علیه السلام سؤال می‌کند که آیا شما مهدی هستید که موجب غلبه دین خواهید شد؟ امام پاسخ می‌فرماید: «چگونه من مهدی باشم در حالی که چهل و پنج سال از عمرم گذشته است.» (کلینی، ۱۳۶۳: ج ۱، ۵۳۶).^۲ این روایت نیز با روایات سی تا چهل سال سازگار است زیرا بیان می‌کند که سن امام مهدی علیه السلام کمتر از چهل و پنج سال است.

ج) روایت تعیین دقیق سن امام هنگام ظهور

سن امام مهدی علیه السلام هنگام ظهور، در سه روایت به صورت دقیق بیان شده است: روایت اول که از منابع شیعه است، امام را دارای سن سی سال^۳ و روایت دوم که ظاهراً

۱. الف) «عن أبي بصير عن أبي عبد الله عليه السلام قال قلت له جعلت فداك ... فقال يا محمد ... وليس صاحب هذا الأمر من جاز الأربعين». (صفار، ۱۴۰۴: ۲۰۸-۲۰۹)

و کسی که سنش از چهل سال بگذرد صاحب این امر نخواهد بود (سند، صحیح است: ابراهیم (خوئی، ۱۴۱۳: ج ۱)، ۲۸۹ به بعد)؛ محمد بن خالد برقی (طوسی، ۱۴۱۵: ۲۶۳؛ خوئی، ۱۴۱۳: ج ۱، ۷۱)؛ بزندی (طوسی، ۱۴۱۵: ۲۳۲)؛ ابویوب (نجاشی، ۱۴۱۶: ۲۰)؛ ابوبصیر (نجاشی، ۱۴۱۶: ۳۲۱)؛ لیث بن یختری؛ [یحیی بن قاسم].

ب) «عن أبي سعيد عقیصا قال: لما صالح الحسن بن علي عليه السلام معاوية بن أبي سفيان دخل عليه الناس، فلامه بعضهم على بيعته، فقال عليه السلام: ... ذلك التاسع من ولد أخي الحسين ابن سيدة الإمام، يطيل الله عمره في غيبته، ثم يظهره بقدرته في صورة شاب دون أربعين سنة، ذلك ليعلم أن الله على كل شيء قدير». (صدوق، ۱۴۰۵: ۳۱۵-۳۱۶؛ طبرسی، ۱۳۸۶: ج ۲، ۹-۱۰؛ و ۱۴۱۷: ج ۲، ۲۲۹-۲۳۰)

ابوسعید عقیصا می‌گوید هنگام صلح امام حسن علیه السلام با معاویه، مردم نزد ایشان آمدند و برخی آن حضرت را سرزنش کردند آن حضرت فرمودند: ... او (قیام‌کننده) نهمین فرزند برادرم حسین علیه السلام است فرزند سرور کنیزان خداوند عمر او را در غیبتش طولانی خواهد کرد و سپس با قدرت خود به صورت جوانی زیر چهل سال ظاهرش خواهد ساخت تا دانسته شود که خداوند بر هر چیزی قدرت دارد (سند به خاطر وجود حکیم بن صهیب، پدر سدید، مهمل است).

ج) «قال علي بن الحسين عليه السلام: ان في القائم عليه السلام سنة من آيينا آدم، وسنة من نوح ... فاما من آدم ونوح: فطول العمر يطيل الله عمره في غيبته ثم يظهر الله بقدرته في صورة شاب دون أربعين سنة». (حائری، ۱۳۸۵: ج ۲، ۳۹۷-۳۹۸؛ و ۱۴۲۵: ۲۲۷-۲۲۸) امام سجاد علیه السلام می‌فرماید همانا در قائم سنتی از پدرمان آدم است و سنتی از نوح ... و اما سنت آدم و نوح پس طولانی شدن عمر است خداوند عمر وی را در غیبتش طولانی گرداند سپس وی را به قدرت خویش در شمایل جوانی زیر چهل سال ظاهر گرداند. (مرسله).

۲. «عن الحكم بن أبي نعيم قال: أتيت أبا جعفر عليه السلام وهو بالمدينة، فقلت له: ... قلت: فأنت الذي تقتل أعداء الله ويعز بك أولياء الله ويظهر بك دين الله؟ فقال: يا حكم كيف أكون أنا وقد بلغت خمسا وأربعين [سنة]؟

در مدینه از امام باقر علیه السلام سؤال کردم شما کسی هستید که دشمنان خدا را خواهید کشت و دوستان خدا به واسطه شما عزیز خواهند شد و دین با شما غلبه خواهد کرد؟ فرمود ای حکم چگونه او من باشم در حالی که از عمر من چهل و پنج سال گذشته است (سند ضعیف است به خاطر اهمال زید ابی الحسن و همچنین استادش حکم بن ابی نعیم).

۳. «عن علي بن عمر بن علي بن الحسين، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: إن ولي الله ... ويظهر في صورة فتى موفق ابن ثلاثين

نسخه بدل همان روایت اول است، امام را سی و دو ساله معرفی می‌کند.^۱
 دو روایت از منابع اهل سنت نیز امام را دارای شماییلی چهل ساله می‌دانند.^۲
 این بخش از روایات هم، با نصوص گذشته تناسب داشته و سن آن حضرت را در محدوده
 بین سی تا چهل سال منحصر می‌کند.

بنابراین مجموع روایات مربوط به سن امام عصر علیه السلام هنگام ظهور، بیست روایت است. اگر
 چه این روایات از جهت متن با هم متفاوت هستند؛ اما دلالت همه آن‌ها بر جوان بودن آن
 حضرت در هنگام ظهور، تمام و از نظر تعداد نیز به حد استفاضه رسیده است و ما را از بررسی
 تک تک اسناد بی‌نیاز می‌کند؛ علاوه بر این که در بین آن‌ها روایت صحیح و موثق هم یافت
 می‌شود و به ما اطمینان می‌دهد که حضرت با شمایل جوان ظهور خواهد کرد؛ اما روایت سی
 سال که در نقل طبری واژه «ثمانین» است^۳ با توجه به نقل‌های دیگر این روایت در سایر

سنة. (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۴۲۰)

و در صورت جوانی کامل و قدرتمند فرزند سی سال ظاهر خواهد شد. سند روایت ضعیف است زیرا جعفر بن محمد بن
 مالک متهم به دروغگویی است. (نجاشی، ۱۴۱۶ق: ۱۲۲) عمر بن طرخان هم مهمل است.»
 ۱. «عن علی بن عمر بن علی بن الحسین علیه السلام، عن أبي عبد الله جعفر بن محمد علیه السلام أنه قال: «القائم من ولدی ... و يظهر
 فی صورة شاب موفق ابن اثني و ثلاثين سنة». (نعمانی، ۱۴۲۲ق: ۱۹۵)
 و در صورت جوانی کامل و قدرتمند فرزند سی و دو سال ظاهر خواهد شد.
 توضیح: از اتحاد راوی و مروی عنه و متن روایت چنین برداشت می‌شود که این حدیث با روایت ۳۰ سال یکی است. و
 بقیه سند نیز همان سند روایت قبل است.

۲. الف) «قال حذيفة فقال عمران بن الحصين الخزاعي، فقال يا رسول الله صلی الله علیه و آله، كيف لنا بهذا، حتى نعرفه؟ قال: «هو رجل
 من ولدی، ... فی خده الأيمن خال أسود، ابن أربعين سنة» (مقدسی، ۱۴۱۶ق: ۶۲؛ ۱۴۲۴ق: ۲۴۵)
 عمران بن حصین خزاعی از پیامبر صلی الله علیه و آله تقاضا کرد تا شمایل مهدی علیه السلام را برایشان توضیح بدهد تا او را بشناسند حضرت
 فرمود: او مردی از فرزندان من است ... روی گونه راستش خال مشکلی دارد و فرزند چهل سال است. (گذشته از مشکلات
 سند تعدادی از رجال آن نیز مثل عبدالصمد بن محمد و عبدالوهاب خزان نشانی در منابع ندارند).
 ب) «وعن أبي أمامة قال قال رسول الله صلی الله علیه و آله ... يا رسول الله من أمام الناس يومئذ قال من ولدی ابن أربعين سنة». (هیثمی،
 ۱۴۰۸ق: ج ۷، ۳۱۸-۳۱۹؛ ابن اثیر، بی تا: ج ۴، ۳۵۳؛ ابی نعیم، بی تا: ج ۶، ۵-۶؛ طبرانی، ۱۴۰۵ق: ج ۸، ۱۰۱-
 ۱۰۲).

ابی امامة سؤال کرد امام مردم در آن زمان کیست؟ حضرت فرمود از فرزندان من و چهل ساله است (در سند روایت عنبسة
 بن ابی صغیره است که هیچ مدح و ذمی در منابع اهل تسنن ندارد). (ابن حجر، ۱۳۹۰ق: ج ۴، ص ۳۸۳) و بستوی نیز پس
 از نقل روایت آن را تضعیف می‌کند (بستوی، ۱۴۲۰ق: ۱۲۱).

۳. «عن علی بن عمر بن علی بن الحسین، عن أبي عبد الله علیه السلام قال: القائم من ولدی، يعمر عمر خليل الرحمن، يقوم فی
 الناس وهو ابن ثمانين (فی نسخه "ط": ثلاثين) سنة» (طبری، ۱۴۱۳ق: ۴۸۱-۴۸۲)
 قائم علیه السلام از فرزندان من عمری همانند ابراهیم طولانی خواهد داشت و بین مردم قیام خواهد کرد در حالی که فرزند هشتاد
 سال است (نسخه بدل: سی سال) (در سند روایت جعفر بن محمد بن مالک متهم به دروغگویی است). (نجاشی،
 ۱۴۱۶ق: ۱۲۲) عمر بن طرخان هم مهمل است.»

منابع (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۴۲۰) و همچنین نسخه دیگر همین کتاب که به جای «ثمانین»، «ثلاثین» ثبت شده است، روایت مخالف محسوب نخواهد شد.

امتحان دشوار

جوان بودن رهبر در یک جامعه اگر چه دارای محاسن زیادی از قبیل نشاط، توانایی جسمی و امید افزایی در امت است؛ اما در کنار آن، ناپختگی، کم تجربگی، شتاب زدگی و نیز عدم استقلال رأی می تواند از معایب چنین رهبری باشد و افراد جامعه رهبری جوان را برنتابند و در مقابل وی موضع گیری کنند؛ این تقابل در میان افراد مسنّ که دوران جوانی را سپری کرده اند؛ مشهودتر و محسوس تر است؛ به میزان بالاتر رفتن سن افراد، قبول رهبری یک جوان، برای آن ها دشوارتر خواهد بود؛ زیرا با نگاه خوش بینانه، این موضع گیری از روی دلسوزی و نگرانی نسبت به آینده است و در نگاه بدبینانه اش، فرد با یک مقایسه ذهنی میان موقعیت خود و رهبر جدید، حس حسادتش برانگیخته شده و خود و یا بهتر از خود و این جوان را شایسته جایگاه رهبری می داند؛ این واکنش در بین خواصّ جامعه از شدت بیش تری برخوردار است و عوام جامعه که خود را در رأس امور نمی بینند و داعیه ریاست و سیادت نیز ندارند، اطاعت پذیری بهتری نشان می دهند و موضع گیری ایشان از سردل سوزی و یا تحت تأثیر رفتار خواصّ است.

در زمان ظهور نیز با بررسی روایات اثبات شد که امام زمان علیه السلام به اراده الهی دارای چهره ای جوان خواهد بود بلکه مطابق روایتی، گذر زمان تا آخر عمر هیچ اثری بر ایشان ندارد (صدوق، ۱۴۰۵ق: ۶۵۲).^۱

ظهور امام مهدی علیه السلام با چهره جوان برای پیش برد اهداف بلند امام در حکومت جهانی بسیار کارایی دارد زیرا:

- مطابق فرهنگ قرآنی نیروی جسمی در کنار علم و آگاهی، یکی از اولویت های رهبر الهی است (بقره: ۲۴۷).

- در راستای سنت الهی در آزمایش مردم به حجت در سنین مختلف است (کلینی، ۱۳۶۳ش: ج ۱، ۳۸۴).

- نوعی قدرت نمایی الهی است که نشان می دهد خداوند قدرت دارد که موعود را پس از

۱. «عن أبي الصلت الهروي قال: قلت للرضا عليه السلام: ما علامات القائم منكم إذا خرج؟ قال: ... وإن من علاماته أن لا يهرم بمرور الأيام والليالي حتى يأتيه أجله».

گذشت بیش از هزار سال به این صورت ظاهر کند (صدوق، ۱۴۰۵ق: ۳۱۵ - ۳۱۶؛ طبرسی، ۱۳۸۶ق: ج ۲، ۹ - ۱۰؛ و ۱۴۱۷ق: ج ۲، ۲۲۹ - ۲۳۰).

اما این جوانی برای برخی مشکل آفرین خواهد بود تا جایی که عده زیادی آن حضرت را انکار خواهند کرد، داستان این انکار و تمزّد در چهار روایت منعکس شده است:

الف) عن علی بن أبی حمزة، عن أبی عبدالله علیه السلام أنه قال:

لو قد قام القائم لأنكره الناس، لأنه يرجع إليهم شابا موقفا لا يثبت عليه إلا من قد أخذ الله ميثاقه في الذر الأول (نعمانی، ۱۴۲۲ق: ۱۹۴ - ۱۹۵ و ۲۱۹ - ۲۲۰)؛

اگر قائم خروج کند همانا مردم او را انکار می‌کنند زیرا وی به سوی ایشان برگشته در حالی که جوان است و کسی بر باور به وی ثابت خواهد ماند که خداوند در عالم ذر، از وی پیمان گرفته باشد.

سند این روایت به خاطر وجود محمد بن علی کوفی (ابوسمینه) که متهم به دروغ‌گویی است (نجاشی، ۱۴۱۶ق: ۳۳۲) ضعیف است.

هشدار در این روایت چنان تکان دهنده است که مرحوم نعمانی در کتاب الغیبة با این که معمولاً به نقل روایات اکتفا کرده و توضیحی ارائه نمی‌دهند؛ در مورد این روایت عکس‌العمل نشان داده و هشدار در این روایت را جدی گرفته و برای برون رفت از آن راه حل ارائه می‌فرماید (نعمانی، ۱۴۲۲ق: ۲۱۹ - ۲۲۰)^۱ و چه بسا این واکنش، نشان از اعتبار روایت نزد ایشان باشد.

این روایت با دو سند دیگر نیز نقل شده است:

سند شیخ طوسی (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۴۲۰) به دلیل وجود حسن بن علی بن ابی حمزه که متهم به دروغ‌گویی است (طوسی، بی تا: ج ۲، ص ۸۲۷) مبتلا به ضعف است.

سند منتخب أنوار المضيئة (نجفی، ۱۴۲۰ق: ۳۲۹) اگر چه قبل از نقل روایت این عبارت را

۱. «وفي هذا الحديث عبرة لمعتبر، وذكرى لمتذكر متبصر، وهو قوله: "يخرج إليه شابا موقفا، لا يثبت عليه إلا مؤمن قد أخذ الله ميثاقه في الذر الأول"، فهل يدل هذا إلا على أن الناس يبعدون هذه المدة من العمر، ويستطيّلون المدى في ظهوره، وينكرون تأخره، ويأثسون منه، فيطيرون يمينا وشمالا كما قالوا عليه السلام: "تتفرق بهم المذاهب، وتتشعب لهم طرق الفتن، ويغترون بلمع السراب من كلام المفتونين، فإذا ظهر لهم بعد السنين التي يوجب مثلها فيمن بلغه الشيخوخة والكبر، وحنو الظهر، وضعف القوى، شابا موقفا أنكره من كان في قلبه مرض، وثبت عليه من سبقت له من الله الحسنی بما وفقه عليه، وقدمه إليه من العلم بحاله، وأوصله إلى هذه الروایات من قول الصادقين عليهم السلام فصدقها وعمل بها، وتقدم علمه بما يأتي من أمر الله وتدبيره فارتقبه غير شاك ولا مرتاب ولا متحير، ولا مغتر بزخارف إبليس وأشياعه. والحمد لله الذي جعلنا ممن أحسن إليه، وأنعم عليه، وأوصله من العلم إلى ما لا يوصل إليه غيره، إيجابا للمنة، واختصاصا بالموهبة، حمدا يكون لنعمه كفاء، ولحقه أداء».

به کار می‌برد: «ما صح لی روایتہ عن أحمد بن محمد الإیادی، یرفعہ إلی أبی بصیر، عن أبی عبد اللہ علیہ السلام و بر سند خود تا ایادی صحه می‌گذارد و ایادی و ابوبصیر هم ثقه هستند، اما ارسال بین ایادی و ابو بصیر را درست نمی‌کند.

مطابق این روایت بیشتر مردم درگیر این امتحان خواهند شد و صف مؤمنان واقعی از شاگان و منحرفان جدا خواهد شد و آن قدر این ابتلاء مهم است که تنها کسانی که در عالم ذر، از ایشان پیمان گرفته شده باشد بر این امر ثابت قدم خواهند ماند.

(ب) عن أبی عبد اللہ جعفر بن محمد علیہ السلام أنه قال:

القائم من ولدی ... ویظہر فی صورة شاب موفق ابن اثنی وثلاثین سنة، حتی ترجع عنہ طائفة من الناس (نعمانی، ۱۴۲۲ق: ۱۹۴ - ۱۹۵)؛
قائم از فرزندان من ... و به صورت جوانی کامل سی و دو ساله ظهور خواهد کرد تا این که گروهی از مردم از وی برمی‌گردند.

سند ضعیف است به جعفر بن محمد بن مالک که متهم به دروغ‌گویی است. (نجاشی، ۱۴۱۶ق: ۱۲۲) و عمر بن طرخان نیز مهمل است.

(ج) زید الشحام، عن أبی عبد اللہ علیہ السلام قال:

إن صالحا علیہ السلام غاب عن قومه زمانا، وكان یوم غاب عنهم كهلامبدح البطن حسن الجسم، وافر اللحية، خميص البطن خفيف العارضین مجتمعاً، ربعة من الرجال فلما رجع إلی قومه لم یعرفوه بصورته، فرجع إلیهم وهم علی ثلاث طبقات : طبقة جاحدة لا ترجع أبداً، وأخرى شاکة فیه، وأخرى علی یقین فبدأ علیه السلام حیث رجع بالطبقة الشاکة فقال لهم : أنا صالح فکذبوه وشتموه وزجروه، وقالوا : برئ الله منک إن صالحا کان فی غیر صورتک، قال : فأتی الجهاد فلم یسمعوا منه القول ونفروا منه أشد النفور، ثم انطلق إلی الطبقة الثالثة، وهم أهل الیقین فقال لهم : أنا صالح، فقالوا : أخبرنا خبراً لا نشک فیک معه أنك صالح، فإنا لا نمتري أن الله تبارک وتعالی الخالق ینقل ویحول فی أی صورة شاء، وقد أخبرنا وتدارسنا فیما بیننا بعلامات القائم إذا جاء، وإنما یصح عندنا إذا أتى الخبر من السماء، فقال لهم صالح : أنا صالح الذی أتیتکم بالناقة، فقالوا : صدقت وهی التي تدارس فما علامتها؟ فقال : لها شرب ولکم شرب یوم معلوم، قالوا آمنا بالله وبما جئتنا به، فعند ذلك قال الله تبارک وتعالی : ﴿ان صالحا مرسل من ربه﴾ (فقال : أهل الیقین :)
إنا بما أرسل به مؤمنون * قال الذین استکبروا (وهم الشکاک و الجهاد :) إنا بالذی آمنتم به کافرون "قلت : هل کان فیهم ذلك الیوم عالم به؟ قال : الله أعدل من أن یتربک الأرض بلا عالم یدل علی الله عزوجل، ولقد مکث القوم بعد خروج صالح سبعة أيام علی فترة لا یعرفون إماماً، غیر أنهم علی ما فی أیدیهم من دین الله عزوجل، کلمتهم واحدة،

فلما ظهر صالح عليه السلام اجتمعوا عليه . وإنما مثل القائم عليه السلام مثل صالح . (صدق، ۱۴۰۵ق: ۱۳۶ - ۱۳۷؛ راوندی، ۱۴۱۸ق: ۱۰۰)

زید شحام از امام صادق عليه السلام نقل می‌کند که صالح عليه السلام مدتی از قوم خویش غائب گشت و هنگام غائب شدن مرد بزرگ خوش هیكل با محاسنی پر پشت و قامتی متوسط بود؛ اما هنگام بازگشت او را از جهت چهره نشناختند و سه فرقه شدند؛ منکران که هیچ‌گاه ایمان نیاوردند، شک‌کنندگان و اهل یقین؛ ابتدا سراغ شاگان رفت و گفت: «من صالح هستم»، او را تکذیب کرده و با دشنام او را راندند و گفتند: «خداوند از تو بی‌زاری بجوید صالح هم قیافه تو نبود.»، سپس به سراغ منکران رفت آن‌ها نیز حرف او را نپذیرفته و برخورد شدیدتری کردند و بعد نزد طبقه سوم یعنی اهل یقین رفت و گفت: «من صالح هستم.»، گفتند: «دلیلی چیزی بیاور که ما در مورد صالح بودنت شک نکنیم زیرا اعتقاد ما این است که خداوند خالق می‌تواند افراد را به هر صورتی تغییر دهد و در مورد علامت‌های قائم، خبرهایی به ما رسیده و ما نیز آن را در بین خود مورد مطالعه قرار داده‌ایم و تنها اخباری که از آسمان می‌آید، نزد ما صحیح است و از راه گفتگوی با صالح و پرسش از علامات به او ایمان آوردند. در ادامه امام صادق عليه السلام می‌فرمایند: «مَثَلُ قائم عليه السلام نیز مانند صالح عليه السلام است.».

سند این روایت موثق است زیرا علی بن اسباط، سابقاً فطحی بوده و رجوعش از این عقیده، مورد اختلاف است (نجاشی، ۱۴۱۶ق: ۲۵۲).

(د) وعن أبي عبد الله الحسين بن علي عليه السلام، انه قال:

لوقام المهدي لأنكره الناس؛ لأنه يرجع إليهم شاباً موقفاً، وإن من أعظم البلية أن يخرج إليهم صاحبهم شاباً، وهم يحسبونه شيخاً كبيراً (مقدس، ۱۴۱۶ق: ۶۹)؛
اگر قائم خروج کند، همانا مردم او را انکار می‌کنند زیرا به سوی ایشان برگشته در حالی که جوان است و از بزرگ‌ترین بلاها این است که صاحب ایشان با چهره جوان به سویشان بیاید در حالی که فکر می‌کردند پیر کهن سالی شده است.

سند روایت دارای ارسال می‌باشد.

در این روایت آزمایش مردم به رهبر جوان از دشوارترین ابتلائات و امتحان‌های زمان ظهور، شمرده شده است: این اعظم البلیة بودن به خاطر گستره وسیع این امتحان است و موجب تمرد مردم و یا برخی از ایشان خواهد شد. این موضع‌گیری دو دلیل عمده دارد؛ یکی تردید در توانایی جوان سی ساله برای مدیریت جهان و دیگری که برای برخی شیعیان محل سؤال خواهد بود، جوان ماندن حضرت پس از عمر طولانی است.

بررسی تاریخی مسئله مخالفت خواص جامعه و یا توده مردم با رهبران جوان و معرفی شواهد عینی آن از حوصله این مقاله خارج بوده و تحقیق جداگانه‌ای را می‌طلبد؛ اما بررسی سابقه تاریخی ابتلاء مردم به حجت کودک و یا جوان در عصر معصومین علیهم‌السلام و نگاهی اجمالی به موضع‌گیری ایشان در قبال اوصیاء پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، علاوه بر این که در جهت برون رفت از این مشکل در زمان ظهور راه‌گشا است؛ برای ضعف سند روایات انکار امام جوان در عصر ظهور نیز کارآیی دارد زیرا وقتی ثابت شود در عصر حضور ائمه علیهم‌السلام این موضع‌گیری‌ها و مخالفت‌ها بوده است، وجود آن در ابتدای ظهور نیز بعید به نظر نمی‌رسد.

بازشناسی سابقه تاریخی مسئله در دوران پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه علیهم‌السلام

الف) امام علی علیه‌السلام

خلافت و وزارت امام علی علیه‌السلام از همان دوران نوجوانی مطرح بوده و مخالفت‌هایی را در پی داشته است:

در پیمان خویشاوندان، هنگامی که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، امام علی علیه‌السلام را که کوچک‌ترین فرد حاضر در جلسه بود، به عنوان جانشین و وزیر خود معرفی می‌کند، عده‌ای با طعنه، این عملکرد را به سخره گرفته و به ابوطالب علیه‌السلام می‌گفتند؛ بایستی از این پس از فرزند خردسال خود تبعیت کنی (مفید، ۱۴۱۴ق: ج ۱، ۵۰، ۵۰؛ طوسی، ۱۴۱۴ق: ۵۸۳؛ طبری، ۱۴۱۵ق: ج ۱۹، ۱۴۹).

رسول گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، در پایان عمر مبارکشان مقام فرماندهی لشکر را به اسامه بیست و دو ساله اعطا کرده و مسلمانان را عموماً (صدوق، ۱۴۰۳ق: ۳۷۱ - ۳۷۲) و برخی را نیز بالخصوص (مفید، ۱۴۱۴ق: ج ۱، ۱۸۰ - ۱۸۱؛ صدوق، ۱۴۰۳ق: ۳۷۱) به پیروی از فرمانده جوان و ملحق شدن به این سپاه در خارج مدینه امر کرده بودند (مفید، ۱۴۱۴ق: ج ۱، ۱۸۰ - ۱۸۱؛ دیلمی، ۱۴۱۲ق: ج ۲، ۳۳۷ و ۳۳۹) و نافرمانان را مورد لعن قرار دادند (أبوالقاسم کوفی، بی‌تا: ج ۱، ۲۰ - ۲۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: به نقل از بعض مؤلفات قداماً أصحابنا، ج ۲۷، ۳۲۳ - ۳۲۴). این اقدام پیامبر، مورد اعتراض برخی از منافقین قرار گرفت و بهانه معترضین نیز جوانی اسامه بود (شریف مرتضی، ۱۴۱۰ق: ج ۴، ۱۴۷؛ ذهبی، ۱۴۰۷ق: ج ۲، ۷۱۴). پیامبر این بهانه را نمی‌پذیرد و دوباره دستور خود را تکرار می‌فرماید (طبرسی، ۱۳۸۶ق: ج ۱، ۹۰ - ۹۱؛ عینی، بی‌تا: ج ۱۸، ۷۶؛ عبد الرزاق صنعانی، بی‌تا: ج ۱۱، ۲۳۴).

گرچه آن حضرت با این اقدام در نظر داشتند جامعه نو پای اسلامی را از کشمکش‌های سیاسی حفظ کنند (صدوق، ۱۴۰۳ق: ۳۷۲؛ دیلمی، ۱۴۱۲ق: ج ۲، ۳۳۸؛ مفید، ۱۴۱۴ق: ج ۱،

۱۸۰ - ۱۸۱) و یا به گفته سلمان فارسی می‌خواستند نافرمانان و منافقان پس از خود را به جامعه اسلامی معرفی نمایند (طبرسی، ۱۳۸۶ق: ج ۱، ۹۹ - ۱۰۰)؛ اما شاید یکی دیگر از حکمت‌های این فرمان، تمرین پذیرش رهبری امام جوان، و به اصطلاح امروزی مانور نظامی اطاعت از رهبری بود؛ گرچه بر اثر تمرد عده‌ای، به شکست انجامید و موجبات ناراحتی پیامبر را نیز فراهم آورد (دیلمی، ۱۴۱۲ق: ج ۲، ۳۳۹؛ قاضی نعمان مغربی، بی‌تا: ج ۱، ۳۲۰). و توییح عاصیان را در پی داشت. (مفید، ۱۴۱۴ق: ج ۱، ۱۸۳)

پس از رحلت پیامبر ﷺ، نیز جانشینی و امامت حضرت علی علیه السلام با وجود تصریح پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مورد پذیرش واقع نشد و به گواه تاریخ یکی از بهانه‌های مخالفت با این دستور، جوانی آن حضرت بود؛ ابو عبیده پس از داستان سقیفه، در پاسخ اعتراض امام علی علیه السلام سی و سه ساله (ر.ک جدول سن ائمه علیهم السلام)، می‌گوید:

ای ابا الحسن تو جوانی و اینان بزرگان قوم تو هستند و تجربه و دانش تو به پای ایشان نمی‌رسد... امر را به ایشان تسلیم کرده و راضی باش اگر زنده بمانی و عمرت طولانی شود با فضل و سابقه و جهاد و خویشاوندی‌ای که دارا هستی شایسته حکومت خواهی بود (ابن ابی الحدید، ۱۳۷۸ق: ج ۶، ۵؛ طبرسی، ۱۳۸۶ق: ج ۱، ۸۹).

ب) امام موسی بن جعفر علیه السلام

پس از شهادت امام صادق علیه السلام انشعاباتی در شیعه پدیدار شد و فرزند ارشد نبودن امام کاظم علیه السلام و سن کم ایشان - حدود بیست سال - (ر.ک جدول سن ائمه علیهم السلام) را می‌توان از دلائل این ارتداد برشمرد.

این امتحان، باعث انحراف برخی و باور به زنده بودن اسماعیل به عنوان فرزند ارشد امام صادق علیه السلام و درست شدن فرقه اسماعیلیه (نوبختی، ۱۳۸۸ق: ۷۹؛ زرکلی، ۱۴۱۰ق: ج ۱، ۳۱۱؛ سیوطی، بی‌تا: ۱۴) و سوق گروهی دیگر به سوی امامت عبدالله افطح، فرزند دوم و تشکیل فرقه فطحیه (نوبختی، ۱۳۸۸ق: ۸۸؛ طوسی، بی‌تا: ج ۲، ۵۲۴) شد. حتی گروهی از بزرگان شیعه در مواجهه با این امتحان، سربلند بیرون نیامدند (طوسی، بی‌تا: ج ۲، ۵۲۵)؛ اما عده‌ای از ایشان پس از سنجش علمی عبدالله افطح و پی بردن به جهل وی (نوبختی، ۱۳۸۸ق: ۸۸؛ طوسی، بی‌تا: ج ۲، ۵۲۵) و عده بیشتری پس از مرگ عبدالله در هفتمین (نوبختی، ۱۳۸۸ق: ۸۹) و یا نهمین (طوسی، بی‌تا: ج ۲، ۵۲۵) روز شهادت امام صادق علیه السلام و یادآوری حدیثی که می‌فرماید امامت در غیر امام حسن و امام حسین علیهم السلام در دو برادر دیگر جمع نخواهد شد (کلینی، ۱۳۶۳ش: ج ۱، ۲۸۵ - ۲۸۶؛ ابن بابویه، ۱۴۰۴ق: ۵۶؛ طوسی، بی‌تا: ج ۲، ۵۲۵) از

این اعتقاد برگشته و به امامت امام کاظم علیه السلام معتقد شدند (نوبختی، ۱۳۸۸ ق: ۸۹؛ طوسی، بی تا: ج ۲، ۵۲۵).

ج) امام جواد علیه السلام

امام محمد بن علی علیه السلام، اولین امامی است که در سن طفولیت به امامت می رسد. (رک جدول سن ائمه علیهم السلام) از این رو پرداختن به حوادث این دوره از اهمیت ویژه ای برخوردار است. امام رضا علیه السلام، در پاسخ صفوان بن یحیی که از ایشان سؤال می کند اگر خدا آن روز را نیاورد که اتفاقی برای شما بیفتد، به چه کسی پناه ببریم؟ با دستانشان به امام جواد علیه السلام که در مقابل شان ایستاده بود اشاره کردند، عرض کردم ایشان کودکی سه ساله است! فرمودند: این اشکالی ندارد عیسی بن مریم دو ساله بود که مقام نبوت به او اعطاء شد (کلینی، ۱۳۶۳ ش: ج ۱، ۳۲۱ و ۳۸۳؛ فتال نیشابوری، بی تا: ۲۳۷).

شخصی در خراسان از امام رضا علیه السلام همین پرسش را می کند، حضرت می فرماید: به ابی جعفر فرزندانم (امام جواد علیه السلام) مراجعه کنید، سؤال کننده به سن کم امام جواد اشاره می کند، امام رضا علیه السلام پاسخ می دهند: «خداوند عیسی بن مریم را به رسالت مبعوث کرد و او را صاحب شریعت قرار داد در حالی که سنش از سن ابو جعفر کمتر بود» (کلینی، ۱۳۶۳ ش: ج ۱، ۳۲۲ و ۳۸۴؛ فتال نیشابوری، بی تا: ۲۳۷).

راوی می گوید: نزد امام رضا علیه السلام نشسته بودیم، زمان برخاستن فرمودند: با اباجعفر ملاقاتی داشته باشید و بر او سلام کرده و تجدید بیعت کنید. پس از آن که همه متفرق شدند حضرت رو به من کرد و فرمود: «خداوند مفضل را رحمت کند، او به کمتر از این کارها نیز قانع می شد» (کلینی، ۱۳۶۳ ش: ج ۱، ۳۲۰؛ فتال نیشابوری، بی تا: ۲۳۷).

پس از شهادت امام رضا علیه السلام، شیعه با امامت امام خردسال به صورت واقعی و ملموس، مواجه می شود، در بغداد، اصحاب خاص امام رضا علیه السلام، در خانه عبد الرحمان بن حجاج تجمّع کرده و برای شهادت امام رضا علیه السلام عزاداری می کنند، یونس بن عبدالرحمن می گوید:

«گریه را رها کنید بگویید تا این بچه بزرگ می شود رهبری شیعه را چه کسی عهده دار می شود و پرسش های خود را از چه کسی پرسیم؟» ریان بن صلت با خشم برمی خیزد و با یونس درگیر می شود و می گوید: «تو شک و نفاق درونی خود را از ما مخفی کرده ای؛ اگر این کودک از جانب خداوند به عنوان امام انتخاب شده حتی اگر نوزاد یک روزه باشد به منزله پیر دانا است و اگر از جانب خداوند نباشد حتی اگر هزارساله

باشد باز یکی از مردم عادی به شمار می‌آید.» پس از این برخورد تمامی حاضران در مجلس یونس را توبیخ و شماتت می‌کنند؛ بعد از این قضیه هشتاد فقیه از شیعیان عراق در موسم حج به قصد زیارت امام جواد علیه السلام به مدینه سفر کرده و با آزمایش علمی به توانایی‌های ایشان پی می‌برند. (حسین بن عبدالوهاب، ۱۳۶۹ق: ۱۰۸ - ۱۰۹).^۱

علی بن جعفر که از بزرگان بنی هاشم و عموی پدر امام جواد علیه السلام است، در مقابل امام جواد علیه السلام خردسال، به جهت مقام امامت ایشان کرنش می‌کند وقتی با اعتراض اطرافیان روبرو می‌شود، پاسخ دندان‌شکنی به آن‌ها می‌دهد و می‌فرماید:

ساکت باشید وقتی خداوند مرا با این محاسن سفید لایق امامت ندیده و این کودک را شایسته دیده است من چگونه برتری او را انکار کنم (کلینی، ۱۳۶۳ش: ج ۱، ۳۲۲).^۲

یکی از شیعیان به امام جواد علیه السلام عرض می‌کند که مردم نسبت به سن کم شما اعتراض دارند، حضرت می‌فرماید:

خداوند به داوود فرمان داد که سلیمان را به عنوان جانشین خود معرفی کن و این در زمانی بود که سلیمان کودکی بود که گوسفندان را چوپانی می‌کرد، این امر بر عابدان و علمای بنی اسرائیل گران آمد، خداوند به داود وحی کرد که عصای بزرگان معترض، و عصای سلیمان را در خانه‌ای قرار دهید و درب آن خانه را با مهر و موم مخالفین، ببندید فردا چوب هر کسی که سبز شده و برگ درآورد، خلیفه است داود نیز پیام را رساند و با این امتحان معترضین ساکت شدند و جانشینی سلیمان تثبیت شد (کلینی، ۱۳۶۳ش: ج ۱، ۳۸۳).^۳

علی بن حسان نیز همین اعتراض مردم را به امام جواد علیه السلام منتقل می‌کند، امام می‌فرماید

۱. ولما قبض الرضا علیه السلام كان سن أبي جعفر علیه السلام نحو سبع سنين فاختلفت الكلمة بين الناس ببغداد وفي الأمصار واجتمع الريان بن الصلت وصفوان بن يحيى ومحمد بن حكيم وعبد الرحمن بن الحجاج ويونس بن عبد الرحمن وجماعة من وجوه الشيعة وثقاتهم في دار عبد الرحمن بن الحجاج في بركة زلول يبيكون ويتوجعون من المصيبة فقال لهم يونس بن عبد الرحمن دعوا البكاء من هذا الامر والى من نقصد بالمسائل إلى أن يكبر هذا يعني أبا جعفر علیه السلام فقام إليه الريان بن الصلت ووضع يده في حلقه ولم يزل يلطمه ويقول أنت تظهر الايمان لنا وتبطن الشك والشرك إن كان امره من الله فلو انه كان ابن يوم واحد لكان بمنزلة الشيخ العالم وفوقه وان لم يكن من عند الله فلو عمر الف سنة فهو واحد من الناس.

۲. محمد بن الحسن بن عمار قال: كنت عند علي بن جعفر بن محمد جالسا بالمدينة و كنت أقمته عنده سنتين أكتب عنه ما يسمع من أخيه - يعني أبا الحسن علیه السلام - إذ دخل عليه أبو جعفر محمد بن علي الرضا علیه السلام المسجد - مسجد الرسول صلى الله عليه وآله - فوثب علي بن جعفر بلا حذاء ولا رداء فقبل يده وعظمه، فقال له أبو جعفر علیه السلام: يا عم اجلس رحمك الله فقال: يا سيدي كيف أجلس وأنت قائم، فلما رجع علي بن جعفر إلى مجلسه جعل أصحابه يوبخونه ويقولون: أنت عم أبيه وأنت تفعل به هذا الفعل؟ فقال: اسكتوا إذا كان الله عزوجل - وقبض علي لحيته - لم يؤهل هذه الشيبة وأهل هذا الفتى ووضعه حيث وضعه، أنكر فضله؟! نعوذ بالله مما تقولون، بل أنا له عبد.

جای اعتراض نیست وقتی خداوند در آیه ﴿قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي...﴾ (یوسف: ۱۰۸) به پیامبر دستور می‌دهد؛ بگو این راه من است به سوی خدا با بصیرت دعوت می‌کنیم من و کسانی که از من تبعیت می‌کنند. به خدا قسم کسی غیر از علی نه ساله او را تبعیت نکرد و من نیز نه سال دارم. (کلینی، ۱۳۶۳ ش: ج ۱، ۳۸۴)

مسئله امامت در کودکی در دوران امام جواد علیه السلام به صورت کامل برای جامعه شیعی حل شد و تأثیرش این شد که نسبت به امامت امام هادی علیه السلام در هفت سالگی و یا امامت امام زمان علیه السلام در پنج سالگی، مخالفتی گزارش نشده است.

نام امام	تاریخ ولادت روز/ماه/سال	تاریخ امامت روز/ماه/سال	سن امامت ماه/سال	تاریخ شهادت روز/ماه/سال
امام علی <small>علیه السلام</small>	۲۳/۰۷/۱۳ قبل از هجرت	۱۱/۰۲/۲۸	۳۳/۷	۴۰/۰۹/۲۱
امام حسن <small>علیه السلام</small>	۳/۰۹/۱۵	۴۰/۰۹/۲۱	۳۷	۵۰/۰۲/۲۸
امام حسین <small>علیه السلام</small>	۴/۰۸/۰۳	۵۰/۰۲/۲۸	۴۵/۶	۶۱/۰۱/۱۰
امام سجاد <small>علیه السلام</small>	۳۸/۰۸/۰۵	۶۱/۰۱/۱۰	۲۲/۵	۹۵/۰۱/۲۵
امام باقر <small>علیه السلام</small>	۵۷/۰۲/۰۳	۹۵/۰۱/۲۵	۳۸	۱۱۴/۱۲/۰۷
امام صادق <small>علیه السلام</small>	۸۳/۰۳/۱۷	۱۱۴/۱۲/۰۷	۳۱/۸	۱۴۸/۱۰/۲۵
امام کاظم <small>علیه السلام</small>	۱۲۸/۰۲/۰۷	۱۴۸/۱۰/۲۵	۲۰/۸	۱۸۳/۰۷/۲۵
امام رضا <small>علیه السلام</small>	۱۴۸/۱۱/۱۱	۱۸۳/۰۷/۲۵	۳۴/۸	۲۰۳/۰۲/۳۰
امام جواد <small>علیه السلام</small>	۱۹۵/۰۹/۱۰	۲۰۳/۰۲/۳۰	۸/۵	۲۲۰/۱۱/۳۰
امام هادی <small>علیه السلام</small>	۲۱۲/۱۲/۱۵	۲۲۰/۱۱/۳۰	۷/۱۱	۲۵۴/۰۷/۰۳
امام حسن عسکری <small>علیه السلام</small>	۲۳۲/۰۴/۰۸	۲۵۴/۰۷/۰۳	۲۲/۳	۲۶۰/۰۳/۰۸
امام زمان <small>علیه السلام</small>	۲۵۵/۰۸/۱۵	۲۶۰/۰۳/۰۸	۴/۶	—

تقسیم‌بندی مردم در مواجهه با ابتلاء

در اخباری که موضع‌گیری مردم در مقابل امام مهدی علیه السلام جوان در عصر ظهور گزارش شد، در نقل نعمانی تعابیر «الناس» و «طائفة من الناس» و در نقل طوسی و مقدسی «الناس» و در نقل نجفی و مجلسی «کثیر من الناس» است، شاید با توجه به کاربست واژه «الناس» در فرهنگ روایی شیعه، بتوان ادعا کرد که این انکار در جامعه غیر شیعی و یا گروهی از ایشان مشاهده خواهد شد و در میان شیعیان نمود کمتری خواهد داشت؛ اما در روایت دیگری که امام، این آزمایش را از دشوارترین ابتلاء و امتحان‌های عصر ظهور می‌داند (مقدسی، ۱۴۱۶ق: ۶۹) در کنار واژه «الناس» تعبیر «یخرج إلیهم صاحبهم» و «وهم یحسبونه شیخاً کبیراً» دارد که با توجه به واژه «صاحب الزمان» در فرهنگ شیعه و همچنین باور به تولد در قرن سوم و غیبت و طول عمر آن حضرت، شاید با جامعه شیعی تناسب بیشتری داشته باشد؛ پس می‌توان به طور

کلی گفت که پذیرش این امام به ظاهر جوان برای عده‌ای چه شیعه چه سنی و چه صاحب هر مسلک دیگر، مشکل خواهد بود زیرا موعود باوران به چند دسته قابل تقسیم هستند: گروه اول مردمی که مسلمان نیستند؛ اما بر اساس باورهای دینی و یا مکتبی خود، یک رهایی بخش الهی را انتظار می‌کشند

دسته دوم مسلمانان اهل سنت که به خاطر وعده‌های قرآن و بشارت‌های پیامبر ﷺ، منتظر مهدی موعود ﷺ هستند و عالمان آن‌ها نیز چند روایت در منابع دینی خود مبنی بر پدیدار شدن مهدی ﷺ با شمایی چهل ساله از نظر گذرانده‌اند. طایفه سوم عوام شیعه که می‌دانند امام زمانشان در قرن سوم متولد شده و اکنون در غیبت است و روزی ظهور خواهد کرد.

گروه چهارم شیعیانی هستند که به همراه باور به تولد و غیبت امام زمان ﷺ، آگاهی دارند که حضرت پس از عمر طولانی با چهره جوان پدیدار خواهند شد

بازشناسی انگیزه‌ها و دلایل انکار امام جوان

مردم در مواجهه با این آزمون دو پرسش اساسی دارند؛ یکی عمومی، و دیگری مختص به جامعه شیعی؛

رهبری که قرار است حکومت جهانی تشکیل داده و هدف انبیاء را محقق کند، زورمداران را نابود کرده و یا مطیع خود کند، آیا ممکن است یک جوان ۳۰ - ۴۰ ساله باشد؛ حکومتی که بزرگان سیاست و قدرت، بلکه بزرگان دین از تشکیل آن عاجز بودند، آیا یک جوان سی چهل ساله از عهده آن بر خواهد آمد؟ آیا چهره پخته‌تری برای این کار لازم نیست؟ این سؤال هنگام رؤیت منجی جوان برای هر کسی ممکن است پیش آید، شیعه و یا سنی! مسلمان باشد و یا به واسطه آموزه‌های غیر اسلامی، اعتقاد به آمدن منجی پیدا کرده باشد، تفاوتی نمی‌کند!

و بالاخره این که مطابق باور شیعه که امام زمان ﷺ متولد شده است و بیش از هزار و سیصد و هشتاد سال از غیبت‌شان می‌گذرد؛ چگونه با چهره‌ای ۳۰ - ۴۰ ساله ظهور خواهند کرد و چگونه است که گذر زمان بر جسم ایشان تأثیر نگذاشته است؟

پس انکار و موضع‌گیری غیر شیعیان اگر به جهت غرض‌ورزی، دشمنی و مقابله با آن حضرت نباشد؛ به تردید در توانایی ایشان در اداره جامعه جهانی بازگشت می‌کند و موضع‌گیری در برابر منجی جوان در خصوص شیعیان نیز که مکرر به امام خردسال و جوان آزمایش شده‌اند به این گونه توجیه می‌شود که به دلیل فاصله گرفتن از عصر ائمه، تصوّر مردم از چهره و

شماایل امام دگرگون شده و دیدن ظاهری اسطوره‌ای را انتظار دارند و پذیرش چهره‌ای آشنا و جوان برایشان دشوار است؛ ضمن آنکه امامی هم در جامعه حضور نداشته است تا همچون عصر ائمه علیهم‌السلام، زمینه را برای پذیرش امام بعد از خود فراهم کند و او را به مردم بشناساند و با گذشت زمان طولانی از تولد امام مهدی علیه‌السلام، اگر چه روایات مبتنی بر جوان بودن چهره حضرت و هم چنین تأثیر نپذیرفتن چهره و بدن ایشان از گذر زمان فراوان است؛ اما ناخودآگاه جامعه شیعی منتظر شخص مسن تری برای تصدی این منصب خواهند بود.

البته این حقیقت در خصوص عموم شیعه است؛ اما برای تعداد کمی از شیعیان نیز این امکان وجود دارد که جوانی حضرت را بهانه نمایند و بخاطر فرار از مسئولیت و یا در خطر دیدن منافع خود، با این توجیه، از پذیرش رهبری امام مهدی علیه‌السلام امتناع می‌کنند.

این که در برخی روایات سخن از اطاعت عمومی در زمان ظهور به میان آمده (قندوزی، ۱۴۱۶ق: ج ۳، ۳۳۷-۳۳۸؛^۱ طبرسی، ۱۳۸۶ق: ج ۲، ۱۰-۱۱؛^۲ نعیم بن حماد، ۱۴۱۴ق: ۲۱۶)^۳ اگر از ضعف سند آن‌ها و نیز تعارض با روایات جنگ هشت ماهه آن حضرت (ابن بابویه، ۱۴۰۴ق: ۱۱۵؛ صدوق، ۱۴۰۵ق: ۳۱۸ و ۳۲۹؛ نعمانی، ۱۴۲۲ق: ۱۶۷-۱۶۸ و ۳۱۹-۳۲۱) صرف نظر کنیم، به این صورت قابل توجیه است که روایت تمرد و انکار را مربوط به ابتدای رویارویی با امام جوان و در سرآغاز ظهور بدانیم و بگوئیم روایت اطاعت عمومی، مربوط به زمان پس از تثبیت قیام و تشکیل حکومت است.

راه نجات از امتحان

حال راه برون رفت از این مشکل چیست؟ و برای به حداقل رساندن آسیب این بلیه چه باید کرد؟

راه‌کار پرسش یکم (توانایی جوان در اداره جامعه جهانی)

برای پرسش عمومی نسبت به توانایی جوان زیر چهل سال برای تشکیل حکومت جهانی و

۱. «وقال بعض من أهل الله وأصحاب الكشف والشهود وعلماء الحروف: إنني ناقل عن الإمام علي عليه‌السلام... فيملك بلاد

المسلمين بأمان، ويصفو له الزمان، ويسمع كلامه ويطيعه الشيوخ والفتيان...» (مرسله).

۲. «عن زيد بن وهب الجهني قال: لما طعن الحسن بن علي عليه‌السلام بالمدائن أتيته وهو متوجع،... يدين له عرض البلاد وطولها، لا يبقى كافر إلا آمن به ولا صالح إلا صلح، ويصطلح في ملكه السباع.» (مرسله)

۳. «حدثنا عبد الله بن مروان عن الهيثم بن عبد الرحمن قال حدثني من سمع عليا رضي الله عنه يقول... ويسير المهدي حتى ينزل بيت المقدس وتنقل إليه الخزان وتدخل العرب العجم وأهل الحرب والروم وغيرهم في طاعته من غير قتال.» (مجهول)

اداره و رهبری آن، توجه به موارد زیر راه‌گشا خواهد بود:

۱. اعتقاد به وعده الهی؛

منجی باوران اعم از مسلمان و غیر مسلمان که به خاطر وعده الهی و بشارت انبیاء به آمدن منجی امید دارند؛ منتظر یک شخص الهی هستند تا بیاید و حکومت مورد نظر خداوند را برپا کند و چنین شخصی که تأیید رب العالمین را به همراه دارد، حجت خداوند بر روی زمین است و ولی خدا در هر سنی می‌تواند ظاهر شود (کلینی، ۱۳۶۳ ش: ج ۱، ۳۸۴) ^۱ و وعده او را محقق کند و تردید در توانایی منجی جوان، برای اداره چنین حکومتی، شک در وعده حتمی الهی خواهد بود.

۲. توجه به سنت الهی امتحان به حجت در سنین مختلف و وجود موارد مشابه؛

خداوند حجت خود را در سنین مختلف برای مردم فرستاده است (کلینی، ۱۳۶۳ ش: ج ۱، ۳۸۲) و به نوعی مردم را به اطاعت از ایشان آزمایش می‌کند. تکرار این آزمون در ادیان گذشته و در اسلام به این حقیقت اشاره دارد که از سنت‌های الهی است؛ قبل از اسلام، حکومت حضرت سلیمان علیه السلام در سن ۹ سالگی (کلینی، ۱۳۶۳ ش: ج ۱، ۳۸۳؛ مازندرانی، ۱۴۲۱ ق: ج ۶، ۳۷۳)، نبوت حضرت عیسی علیه السلام و حضرت یحیی علیه السلام در کودکی و در اسلام امامت ائمه معصومین در سنین مختلف انجام شده است و توجه به این سنت الهی و نمونه‌های عینی آن، پذیرش رهبر جوان را در عصر ظهور برای همگان آسان خواهد کرد.

۳. توجه به شأن و عظمت امام مهدی علیه السلام؛

و اما برای جامعه شیعی و برخی از اهل سنت که معتقد به مقام خلافت و امامت در حضرت مهدی علیه السلام هستند، با وجود این اعتقاد و توجه به توصیف مقام امام و خلیفه در روایات و شأن والای ایشان؛ ^۲ جایی برای تردید در توانایی امام مهدی علیه السلام در اداره جهان نخواهد بود. توجه به تواضع علی بن جعفر به عنوان بزرگ بنی‌هاشم در برابر امام جواد علیه السلام کودک

۱. «عن علی بن اسباط قال: رأیت أبا جعفر علیه السلام وقد خرج علی فأخذت النظر إلیه وجعلت أنظر إلی رأسه ورجلیه، لأصف قامته لأصحابنا بمصر، فبینا أنا كذلك حتی قعد، فقال: یا علی إن الله احتج فی الإمامة بمثل ما احتج به فی النبوة فقال: ﴿وأتیناه الحکم صبیاً﴾ (مریم ۱۲) ﴿و لما بلغ أشده﴾ (یوسف ۲۲) و (قصص ۱۴) ﴿و بلغ أربعین سنة﴾ (احقاف ۱۵) فقد یجوز أن یؤتی الحکمة وهو صبی ویجوز أن یؤتاها وهو ابن أربعین سنة» (سند ابن روایت موثق است زیرا علی بن اسباط، سابقاً فطحی بوده و رجوعش از این عقیده مورد اختلاف است (نجاشی، ۱۴۱۶ ق: ۲۵۲)).

۲. رک: (کلینی، ۱۳۶۳ ش: ج ۱، ۱۹۸-۲۰۵؛ صدوق، ۱۴۰۳ ق: ۵۲۸؛ حمیری، ۱۴۱۳ ق: ۳۳۹-۳۴۰؛ صفار، ۱۴۰۴ ق: ۴۳۲؛ ۴۳۳؛ احمد بن حنبل، بی‌تا: ج ۴، ۱۲۶؛ ابن ماجه، بی‌تا: ج ۱، ۱۶؛ ترمذی، ۱۴۰۳ ق: ج ۴، ۱۵۰؛ بیهقی، بی‌تا: ج ۱، ۱۱۴).

(کلینی، ۱۳۶۳ش: ج ۱، ۳۲۲) و برخورد شدید ریّان بن سلت با یونس بن عبد الرحمان که در توانایی امام جواد علیه السلام شک کرده بود (حسین بن عبدالوهاب، ۱۳۶۹ق: ۱۰۸ - ۱۰۹)، برای شیعه راهگشا خواهد بود.

۴. توجه به سن واقعی امام مهدی علیه السلام؛

همچنین شیعیان که معتقد به تولد امام مهدی علیه السلام هستند، بایستی این نکته را مد نظر داشته باشند که جوانی امام زمان علیه السلام در چهره و جسم ایشان است و در حقیقت امام علیه السلام، انسانی هزار ساله است با تجربه و پختگی ای به مقدار عمر مبارکشان؛ واژه‌های «یظهر فی صورة شاب» (صدوق، ۱۴۰۵ق: ۳۱۵ - ۳۱۶؛ خزاز، ۱۴۰۱ق: ۲۲۴ - ۲۲۶؛ طبرسی، ۱۳۸۶ق: ج ۲، ۹ - ۱۰؛ و ۱۴۱۷ق: ج ۲، ۲۲۹ - ۲۳۰؛ إربلی، بی تا: ج ۳، ۳۲۸ - ۳۲۹)، «لیحسبه ابن أربعین سنة أو دونها» (صدوق، ۱۴۰۵ق: ۶۵۲؛ راوندی، ۱۴۰۹ق: ج ۳، ۱۱۷۰ - ۱۱۷۱)، «کان فی سن الشیوخ و منظر الشبان» (صدوق، ۱۴۰۵ق: ۳۷۶؛ طبرسی، ۱۴۱۷ق: ج ۲، ۲۴۰ - ۲۴۱؛ إربلی، بی تا: ج ۳، ۳۳۱)، در روایات مربوط به جوانی همگی به نوعی اشاره به ظاهری و صوری بودن دارد. و صرف نظر از مقام امامت و علم که در امام مهدی علیه السلام است؛ اگر اداره جهان از عهده ایشان با این مقدار از تجربه بر نیاید، شخص دیگری این توانایی را نخواهد داشت.

شیخ طوسی نیز در توضیح روایات مربوط به جوانی امام مهدی علیه السلام می فرماید؛ با فرض پذیرش روایات، این حالت امام ظاهری خواهد بود و بیان کننده سن واقعی حضرت نیست (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۴۱۹).^۱

راهکار پرسش دوم (جوان ماندن امام پس از عمر طولانی)

و اما جامعه شیعی که معتقد به تولد امام در قرن سوم هستند و به طور طبیعی منتظر شخص مسنی هستند، برای نجات از این آزمون، علاوه بر اعتقاد به وعده الهی و در نظر داشتن سنت خداوند در آوردن حجج در سنین مختلف و توجه به سن واقعی امام مهدی علیه السلام، بایسته است جهت حل و مرتفع نمودن این مشکل به موارد زیر نیز دقت داشته باشند:

۱. توجه به اطلاع رسانیا و روایات هشداردهنده؛

تأکید معصومین علیهم السلام بر اطلاع رسانی نسبت به جوان بودن امام علیه السلام در هنگام ظهور که در

۱. فالوجه فیها إن صحت أن نقول إنه یظهر فی صورة شاب من أبناء أربعین سنة أو ما جانسه، لأنه یكون عمره كذلك لتسلم الاخبار.

بسیست روایت منعکس شده و در یک روایت این مسئله، به عنوان علامت شناسایی امام زمان علیه السلام، قرار داده شده است (صدوق، ۱۴۰۵: ۶۵۲؛ راوندی، ۱۴۰۹: ج ۳، ۱۱۷۰-۱۱۷۱) و روایتی دیگری که تصریح می‌کند مهدی موعود علیه السلام، علامتش این است که گذر زمان تأثیری بر وی ندارد (صدوق، ۱۴۰۵: ۶۵۲) و همچنین روایات هشدار در خصوص تمرد عمومی؛ همگی آمده‌اند تا از بروز چنین مشکلی لاقلاً در جامعه شیعی و اسلامی تا حد امکان جلوگیری نمایند و موجبات سربلندی از این امتحان و نجات از این گرفتاری را فراهم آورند.

مرحوم نعمانی نیز توجه به این روایات را به عنوان عامل اصلی نجات از این امتحان معرفی می‌فرماید (نعمانی، ۱۴۲۲: ۲۱۹-۲۲۰).^۱

رسالت اصلی پژوهش حاضر نیز برجسته کردن همین هشدار و رسانه‌ای کردن آن است تا علاوه بر دانشمندان حدیثی که این روایات را از نظر گذرانده‌اند؛ عموم جامعه نیز از آن مطلع شوند.

۲. ایمان و باور به قدرت الهی؛

برخی از همین روایات هشدار دهنده؛ برای نجات از این امتحان، داشتن ایمان و توجه به قدرت الهی را پیشنهاد می‌کنند:

در نقل شیخ نعمانی و شیخ طوسی، جمله « لا یثبت علیه إلا مؤمن » (نعمانی، ۱۴۲۲: ۲۱۹-۲۲۰؛ طوسی، بی‌تا: ج ۲، ۸۲۷) آمده که به نقش ایمان در نجات از این بلیه اشاره دارد.

همچنین در روایت دیگری، مفضل بن عمر از جوان ماندن امام مهدی علیه السلام هنگام ظهور تعجب می‌کند، امام صادق علیه السلام، برای از بین بردن حالت تعجب وی، اشاره به قدرت خداوند می‌نماید (خصیبی، ۱۴۱۱: ۳۹۶-۳۹۲؛ حلی، ۱۳۷۰: ۱۸۲-۱۷۸).^۲

ابی سعید عقیصا نقل می‌کند؛ هنگام صلح امام حسن مجتبی علیه السلام، مردم به حضور ایشان رسیده و آن حضرت را ملامت کردند، ایشان فرمودند: «... هر کدام از ما از طرف طاغوت زمانش بیعتی بر گردن دارد مگر قائمی که عیسی بن مریم علیه السلام پشت سرش نماز می‌خواند، خداوند

۱. وفي هذا الحديث عبرة لمعتبر، وذكرى لمتذكر متبصر، وهو قوله: " يخرج إليه شابا موقفا، لا يثبت عليه إلا مؤمن قد أخذ الله ميثاقه في الذر الأول... وثبت عليه من سبقت له من الله الحسنی بما وفقه عليه، وقدمه إليه من العلم بحاله، وأوصله إلى هذه الروایات من قول الصادقین علیهما السلام فصدقها وعمل بها. »

۲. « عن المفضل ابن عمر قال: سألت سیدی الصادق علیه السلام... قال المفضل یا سیدی یعود شابا أو یظهر فی شیبته فقال علیه السلام: سبحان الله وهل یعرف ذلک یظهر کیف شاء وبأی صورة شاء إذا جاءه الامر من الله تعالی مجده وجل ذکره. (سند گذشته از مشکلات دیگر مبتلا به اهمال محمد بن نصر یا نصیر است). »

ولادتش را مخفی می‌کند و شخصش را غایب می‌نماید تا هنگام خروج بیعت طاغوتی بر گردنش نباشد. او نهمین از نسل برادرم حسین علیه السلام است، فرزند بانوی کنیزان، خداوند عمرش را در غیبتش طولانی می‌کند، سپس با قدرتش او را در صورت جوانی زیر چهل سال ظاهر می‌نماید تا دانسته شود که خداوند بر هر چیزی قدرت دارد.» (صدوق، ۱۴۰۵: ۳۱۵ - ۳۱۶؛^۱ خزاز، ۱۴۰۱: ۲۲۴ - ۲۲۶؛ طبرسی، ۱۳۸۶: ج ۲، ۹ - ۱۰؛ و ۱۴۱۷: ج ۲، ۲۲۹ - ۲۳۰؛ اربلی، بی تا: ج ۳، ۳۲۸ - ۳۲۹).

در روایتی که امام سجاد علیه السلام جاری شدن سنت انبیاء علیهم السلام در امام مهدی علیه السلام را بیان می‌کند، جریان سنت طول عمر آدم و نوح علیهم السلام را بیان کرده سپس می‌فرمایند: «خداوند عمرش را در زمان غیبتش طولانی می‌کند و سپس به قدرت خودش او را در صورت جوانی زیر چهل سال ظاهر می‌نماید» (حائری، ۱۳۸۵: ج ۲، ۳۹۷ - ۳۹۸).^۲

این قدرت نمایی الهی در جوان نگه داشتن حجت، اختصاص به امام مهدی علیه السلام نداشته و در حضرت یونس و صالح نیز انجام گرفته است:

محمد بن مسلم ثقفی می‌گوید: خدمت امام باقر علیه السلام رسیدم و خواستم در مورد قائم از ایشان سؤال بپرسم، ایشان قبل از پرسش من فرمودند: «ای محمد بن مسلم در قائم آل محمد علیهم السلام شباهت پنج پیامبر است یونس بن متی و ... و اما شباهت به یونس بازگشت از غیبت به صورت جوان پس از گذشت عمر طولانی است.» (صدوق، ۱۴۰۵: ۳۲۷ - ۳۲۸؛ طوسی، ۱۴۱۱: ۴۲۱؛ نجفی، ۱۴۲۰: ۳۳۰).

۱. عن أبي سعيد عقيصا قال: لما صالح الحسن بن علي عليه السلام معاوية بن أبي سفيان دخل عليه الناس، فلامه بعضهم على بيعته، فقال عليه السلام: ... أما علمتم أنه ما منا أحد إلا ويقع في عنقه بيعة لطاغية زمانه إلا القائم الذي يصلي روح الله عيسى بن مريم عليه السلام خلفه، فإن الله عزوجل يخفي ولادته، ويغيب شخصه لئلا يكون لأحد في عنقه بيعة إذا خرج، ذلك التاسع من ولد أخي الحسين ابن سيدة الإمام، يطيل الله عمره في غيبته، ثم يظهره بقدرته في صورة شاب دون أربعين سنة، ذلك ليعلم أن الله على كل شيء قدير. (سند به خاطر وجود حکیم بن صهیب، پدر سدید، مهمل است).^۳

۲. «قال علي بن الحسين عليه السلام: ان في القائم عليه السلام سنة من آيينا آدم، وسنة من نوح، وسنة من إبراهيم، وسنة من موسى: وسنة من عيسى، وسنة من أيوب وسنة من محمد عليهم السلام، فاما من آدم ونوح: فطول العمر يطيل الله عمره في غيبته ثم يظهر الله بقدرته في صورة شاب دون أربعين سنة» (مرسله).

۳. «محمد بن مسلم الثقفی الطحان قال: دخلت علی ابي جعفر محمد بن علی الباقر علیه السلام وأنا أريد أن أسأله عن القائم من آل محمد عليهم السلام، فقال لي مبتدئا: يا محمد بن مسلم إن في القائم من آل محمد عليهم السلام شيها من خمسة من الرسل: يونس بن متی، ويوسف بن يعقوب، وموسى، وعيسى، ومحمد، صلوات الله عليهم: فأما شيهه من يونس بن متی: فرجوعه من غيبته وهو شاب بعد كبر السن» (در سند اسماعيل بن علی قزوینی (فزاري) است که به خاطر وجود ایشان در اسناد تفسیر قمی مورد اعتماد است. اما علی بن اسماعيل مجهول است).

۴. «أن في صاحب الزمان عليه السلام شيها من يونس رجوعه من غيبته بشرخ الشباب» (مرسله).

روایت زید شحام از امام صادق علیه السلام در مورد ماجرای حضرت صالح علیه السلام، غیبت از قوم، بازگشت به صورت جوان و تمرد قوم و سه دستگی ایشان در ابتدای مقاله گذشت و امام در این روایت می‌فرمایند: «مثل قائم علیه السلام نیز مانند صالح علیه السلام است.» (صدوق، ۱۴۰۵ق: ۱۳۶-۱۳۷؛ راوندی، ۱۴۱۸ق: ۱۰۰).

مرحوم نعمانی نیز باور به قدرت الهی و توجه به موارد انجام گرفته را یکی از راه‌های نجات از این آزمایش می‌شمرد (نعمانی، ۱۴۲۲ق: ۲۱۹-۲۲۰).^۱

۳. اهتمام به عهد و میثاق اطاعت و یاری حجت خدا

در برخی روایات هشداردهنده؛ بیان شده است که تنها کسانی که در عالم دژ، میثاق اطاعت از ائمه علیهم السلام و جان فشانی در راه ایشان را قبول کرده‌اند، می‌توانند در این آزمون سربلند باشند. (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۴۲۰؛ نعمانی، ۱۴۲۲ق: ۱۹۴-۱۹۵)؛ این که عالم ذر چیست و این میثاق چگونه گرفته شده است، جای بحث و گفتگو دارد و اجمال آن مورد پذیرش بوده و از چگونگی آن اطلاعات دقیقی در دست نیست (تبریزی، ۱۴۱۶ق: ج ۱، ۴۶۹).^۲ به هر حال این میثاق، همان عهد الست است که در آن میثاق ربوبیت باری تعالی و ولایت پیامبران و اوصیاء ایشان گرفته شده است و با توجه به مضمون روایت، شاید بتوان ادعا کرد که کسی که در اطاعت خدا و اولیای او دون همتی نکرده باشد، امید نجات خواهد داشت و در آزمون اطاعت از امام زمان، علیه السلام نیز سربلند بیرون خواهد آمد.

نتیجه‌گیری

ظهور امام زمان علیه السلام با چهره‌ای جوان، حدود سی تا چهل سال، از آزمایش‌های دشوار ابتدای ظهور است که موجب انکار و تمرد برخی از افراد خواهد شد؛ این تحقیق با بررسی و تحلیل

۱. وفي هذا الحديث عبرة لمعتبر، وذكرى لمتذكر متبصر، وهو قوله: "يخرج إليه شابا موقفا، ... وثبت عليه من سبقت له من الله الحسنی بما وفقه عليه، ... وتقدم علمه بما يأتي من أمر الله وتدبيره فارتقبه غیر شاک ولا مرتاب ولا متحیر، ولا مغتر بزخارف إبليس وأشیاعه».

۲. «عن أبي بصير، عن أبي عبد الله علیه السلام أنه قال: لو خرج القائم لقد أنكره الناس، يرجع إليهم شابا موقفا، فلا يلبث عليه إلا كل مؤمن أخذ الله ميثاقه في الذر الأول. (حسن بن علی بن ابی حمزه متهم به دروغ‌گویی است. (طوسی، بی‌تا: ج ۲، ص ۸۲۷)».

۳. «عن أبي عبد الله علیه السلام أنه قال: "لو قد قام القائم لأنكره الناس، لأنه يرجع إليهم شابا موقفا لا يثبت عليه إلا من قد أخذ الله ميثاقه في الذر الأول. (محمد بن علی کوفی ظاهرا همان ابوسمینه است که متهم به دروغ‌گویی است (نجاشی، ۱۴۱۶ق: ۳۳۲)».

۴. «الخوئی: نعم صحیح أصله علی إجماله وغیر معلوم تفصیله».

روایات و تبیین چگونگی آزمایش مردم، به این نتیجه می‌رسد که در این امتحان دو پرسش مهم برای مردم پیش خواهد آمد؛ یکی سؤال از توانایی جوان سی‌چهل ساله در رهبری و اداره حکومت جهانی و دیگری چگونگی جوانی امام عصر علیه السلام پس از عمر طولانی. آنگاه در راستای برون رفت از این مشکل و سرفرازی در این امتحان، موارد زیر را پیشنهاد می‌کند:

در پاسخ به پرسش یکم

۱. اعتقاد به وعده الهی؛
۲. توجه به سنت الهی امتحان به حجت در سنین مختلف؛
۳. توجه به شأن و عظمت رهبر الهی؛
۴. توجه به سن واقعی امام مهدی علیه السلام؛

و در پاسخ به سوال دوم، موارد زیر را نیز ضمیمه می‌نماید:

۱. توجه به اطلاع رسانی‌ها و روایات هشدار دهنده؛
۲. ایمان و باور به قدرت الهی؛
۳. یادآوری عهد میثاق اطاعت از امام؛

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- ابن أبي الحديد، (١٣٧٨ق-١٩٥٩م) شرح نهج البلاغة (ج ٦)، تحقيق: محمد أبو الفضل إبراهيم، دار إحياء الكتب العربية، اول.
- ابن أثير، (١٣٦٤ق)، النهاية في غريب الحديث، تحقيق: طاهر أحمد الزاوي، محمود محمد الطنحاني، إسماعيليان، قم، چهارم.
- _____ (بي تا)، أسد الغابة، دار الكتاب العربي - انتشارات إسماعيليان، بيروت - طهران.
- ابن بابويه، أبي الحسن علي بن حسين بن بابويه قمى والد شيخ صدوق، (١٤٠٤ق - ١٣٦٣ ش)، الإمامة والتبصرة، مدرسة الإمام المهدي عليه السلام قم، اول.
- ابن حجر، شهاب الدين أبي الفضل أحمد بن علي بن حجر العسقلاني، (١٩٧١م-١٣٩٠ق)، لسان الميزان، منشورات مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، بيروت، دوم.
- ابن فارس، أبو الحسين أحمد بن فارس زكريا، (١٤٠٤ق)، معجم مقاييس اللغة، تحقيق: عبد السلام محمد هارون، مكتبة الإعلام الإسلامی.
- ابن ماجه، محمد بن يزيد قزوينی، (بي تا)، سنن ابن ماجه، تحقيق وترقيم وتعليق: محمد فؤاد عبد الباقي، دار الفكر.
- ابن منظور، (١٤٠٥ق)، لسان العرب، نشر أدب حوزة، قم، محرم.
- أبو القاسم كوفي، (بي تا)، الاستغاثة، بي تا، بي جا.
- أبي نُعيم أصبهاني، (بي تا)، الأربعون حديثاً في المهدي، تحقيق: علي جلال باقر.
- احمد بن حنبل، (بي تا)، مسند احمد، دار صادر، بيروت.
- إربلي، ابن أبي الفتح، (بي تا)، كشف الغمة، دار الأضواء، بيروت.
- بستوى، دكتور عبد العليم عبد العظيم، (١٩٩٩ - ١٤٢٠م) موسوعة في أحاديث الإمام المهدي، الضعيفة والموضوعة، المكتبة المكية، دار ابن حزم، مكة المكرمة، بيروت.
- بيهقي، (بي تا)، السنن الكبرى، دار الفكر.
- تبريزي، ميرزا جواد، (جمادى الأولى ١٤١٦ق)، صراط النجاة في أجوبة الاستفتاءات لسماحة آية الله العظمى السيد أبو القاسم الموسوي الخوئي (قدس سره) مع تعليقات وملحق لسماحة آية الله العظمى الميرزا الشيخ جواد التبريزي، دفتر نشر برگزیده، اول.
- ترمذی، (١٤٠٣ق - ١٩٨٣م)، سنن الترمذی وهو جامع الصحيح، تحقيق وتصحيح: عبد الرحمن محمد عثمان، دار الفكر، بيروت، دوم.
- جوهری، (١٤٠٧-١٩٨٧م)، الصحاح، تحقيق: أحمد عبد الغفور العطار، دار العلم للملايين،

- بيروت، چهارم.
- حائري، محمد مهدي، (محرم الحرام ١٣٨٥ق)، شجرة طوبى، مكتبة حيدرية، نجف أشرف،
پنجم.
- حسين بن عبد الوهاب، (١٣٦٩ق)، عيون المعجزات، تحقيق: محمد كاظم الشيخ صادق
الكتبي، حيدرية، نجف.
- حلى، حسن بن سليمان، (١٣٧٠-١٩٥٠م)، مختصر بصائر الدرجات، المطبعة الحيدرية -
نجف اشرف، انتشارات الرسول المصطفى ﷺ - قم، اول.
- حميرى، قمى، (١٤١٣ق)، قرب الاسناد، مؤسسة آل البيت عليه السلام، قم، اول.
- خزاز، قمى، (١٤٠١ق)، كفاية الأثر، سيد عبد اللطيف حسيني كوهكمري خوئى، انتشارات بيدار،
قم.
- خصيبى، حسين بن حمدان، (١٤١١ - ١٩٩١م)، الهداية الكبرى، مؤسسة البلاغ، بيروت،
چهارم.
- خليل الفراهيدى، (١٤٠٩ق)، كتاب العين، تحقيق: مهدي مخزومى، إبراهيم سامرائى،
مؤسسة دار الهجرة، دوم.
- خوئى، سيد أبو القاسم موسى، (١٤١٣ق - ١٩٩٢م)، معجم رجال الحديث وتفصيل طبقات
الرواة، بى نا، بى جا، پنجم.
- الدانى، ابو عمرو عثمان بن سعيد المقرئ، (١٤١٦ق)، السنن الواردة فى الفتن وغوائلها والساعة
وأشراتها، تحقيق: د. ضياء الله بن محمد إدريس المباركفورى، دار العاصمة، رياض، اول.
- ديلمى، حسن بن محمد، (١٤١٢ق)، إرشاد القلوب إلى الصواب (للديلمى)، الشريف الرضى، قم،
اول.
- ذهبى، (١٤٠٧ق - ١٩٨٧م)، تاريخ الإسلام، تحقيق: عمر عبدالسلام تدمرى، دار الكتاب
العربى، بيروت، أول.
- راوندى، قطب الدين، (١٤١٨ق - ١٣٧٦ش)، قصص الأنبياء، ميرزا غلام رضا عرفانيان يزدى
خراسانى، مؤسسة الهادى، اول.
- _____ (ذى الحجة ١٤٠٩ق)، الخرائج والجرائح، مؤسسة الإمام المهدي عليه السلام، قم،
اول.
- زبيدى، (١٤١٤ق - ١٩٩٤م)، تاج العروس، تحقيق: على شيرى، دار الفكر، بيروت.
- زرکلى، (١٤١٠ق - ١٩٨٠م)، خير الدين، الأعلام، دار العلم للملايين، بيروت، پنجم.

- سيوطي، جلال الدين، *لب اللباب في تحرير الأنساب*، دار صادر، بيروت، بي تا.
- شريف مرتضى، (١٤١٠ق) *الشافى فى الإمامة*، تحقيق و تعليق از سيد عبد الزهراء حسيني، مؤسسة الصادق عليه السلام، تهران، دوم.
- صدوق، أبى جعفر محمد بن على بن الحسين بن بابويه القمى، (ذى القعدة الحرام ١٤٠٣ - ١٣٦٢ش) *الخصال*، تصحيح و تعليق: على أكبر غفارى، جامعه مدرسين، قم.
- (محرم الحرام ١٤٠٥ - ١٣٦٣ش) *كمال الدين و تمام النعمة*، تصحيح و تعليق: على أكبر غفارى، مؤسسة نشر إسلامى (جامعة مدرسين)، قم.
- صفار، محمد بن حسن، (١٤٠٤ق - ١٣٦٢ش)، *بصائر الدرجات*، تصحيح و تعليق و تقديم: حاج ميرزا حسن كوچه باغى، منشورات علمى، تهران.
- طبرانى، (١٤٠٥-١٩٨٥م)، *المعجم الكبير*، تحقيق و تخريج: حمدى عبد المجيد السلفى، دار إحياء التراث العربى، بيروت، دوم.
- طبرسى، أبى منصور أحمد بن على بن أبى طالب الطبرسى، (١٣٨٦ - ١٩٦٦ م)، *الاحتجاج*، تعليق و ملاحظات: السيد محمد باقر الخرسان، دار النعمان، نجف أشرف.
- (ربيع الأول ١٤١٧ق)، *إعلام الورى بأعلام الهدى*، مؤسسة آل البيت عليهم السلام، قم، اول.
- طبرى، ابن جرير، (١٤١٥ق - ١٩٩٥م)، *جامع البيان*، تقديم: الشيخ خليل الميس / ضبط و توثيق و تخريج: صدقى جميل العطار، دار الفكر، بيروت.
- طبرى، محمد بن جرير (شيعى)، (١٤١٣ق)، *دلائل الإمامة*، مؤسسة بعثة، قم، اول.
- طريحى، (١٤٠٨ - ١٣٦٧ش)، *مجمع البحرين*، تحقيق: سيد أحمد حسيني، مكتب النشر الثقافة الإسلامية، دوم.
- طوسى، شيخ الطائفة أبى جعفر محمد بن الحسن الطوسى، (بى تا)، *اختيار معرفة الرجال*، المعروف برجال الكشى، تصحيح و تعليق: مير داماد الأستراابادى / تحقيق: السيد مهدي الرجائى، مؤسسة آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث.
- (رمضان المبارك ١٤١٥ق)، *رجال الطوسى*، تحقيق جواد قيومى اصفهانى، مؤسسة نشر اسلامى، قم.
- (شعبان ١٤١١ق) *الغيبة*، تحقيق: عباد الله تهرانى، على أحمد ناصح، مؤسسة معارف إسلامى، قم، اول.

- عبد الرزاق صنعاني، (بى تا)، المصنف، تحقيق وتخريج وتعليق: حبيب الرحمن أعظمي، منشورات المجلس العلمي، بى جا.
- عيني، (بى تا)، عمدة القارى، دار إحياء التراث العربى، بيروت.
- فتال نيشابورى، (بى تا) روضة الواعظين، تقديم: سيد محمد مهدي حسن الخرسان، منشورات شريف رضى، قم.
- فيروز آبادى، (بى تا) القاموس المحيط، بى جا.
- قاضى نعمان مغربى، (بى تا) شرح الأخبار، تحقيق: سيد محمد حسيني جلالى، مؤسسة نشر إسلامى جامعة مدرسين، قم.
- قندوزى، (١٤١٦ق)، ينابيع المودة لذوى القربى، سيد على جمال أشرف حسيني، أسوه، اول.
- كلينى، ثقة الاسلام أبى جعفر محمد بن يعقوب بن إسحاق الكلينى الرازى، (١٣٦٣ش)، الكافى، تصحيح وتعليق: على أكبر غفارى، دار الكتب الإسلامية، تهران، پنجم.
- كورانى، على كورانى عاملى، (١٤١١ق)، معجم أحاديث الإمام المهدي، مؤسسة المعارف الإسلامية، قم، اول.
- مازندراني، مولى محمد صالح، (١٤٢١ق - ٢٠٠٠م)، شرح أصول كافي، ضبط وتصحيح: سيد على عاشور، دار إحياء التراث العربى، بيروت، اول.
- مجلسى، محمد باقر، (١٤٠٣ - ١٩٨٣م) بحار الأنوار (مجلدات ٢٧ - ٥١ - ٥٢ - ٥٣)، تحقيق: محمد باقر بهبودى، دار إحياء التراث العربى، بيروت، سوم.
- مفيد، أبى عبدالله محمد بن محمد بن النعمان العكبرى البغدادى، (١٤١٤ق - ١٩٩٣م)، الإرشاد فى معرفة حجج الله على العباد، مؤسسة آل البيت عليه السلام، دار المفيد، بيروت، دوم.
- مقدسى، مرغى بن يوسف مقدسى حنبلى، (١٤٢٤ق) فرائد فوائد الفكر فى الامام المهدي المنتظر، دار الكتب الاسلامى، قم، اول.
- مقدسى، يوسف بن يحيى شافعى سلمى، (١٤١٦ق) عقد الدرر فى أخبار المنتظر، تحقيق: عبد الفتاح محمد الحلو، انتشارات مسجد مقدس جمكران (نصايح)، قم، اول.
- نجاشى، أبو العباس أحمد بن على بن أحمد بن العباس النجاشى الأسدى الكوفى، (١٤١٦ق)، فهرست أسماء مصنفى الشيعة المشتهر رجال النجاشى، تحقيق: سيد موسى شيبيرى زنجانى، مؤسسة نشر اسلامى، قم، پنجم.
- نجفى، سيد بهاء الدين، (ذيقعدة ١٤٢٠ق - ١٣٧٨ش)، منتخب الأنوار المضيئة، مؤسسة إمام هادى عليه السلام، قم، اول.

- نعمانی، محمد بن إبراهيم، (١٤٢٢ق)، كتاب الغيبة، تحقيق: فارس حسون كريم، أنوار الهدى، قم، اول.
- نعيم بن حماد، مروزي، (١٤١٤ق-١٩٩٣م)، كتاب الفتن، تحقيق وتقديم: الدكتور سهيل زكار، دار الفكر، بيروت.
- نوبختي، حسن بن موسى، (١٣٨٨ق-١٩٦٩م)، فرق الشيعة، تعليق: سيد صادق بحر العلوم، حيدرية، نجف اشرف.
- نوري، ميرزا حسين، (ربيع الثاني ١٤١٦ق)، خاتمة المستدرک، مؤسسة آل البيت، قم، اول.
- هيثمي، (١٤٠٨ق-١٩٨٨م)، مجمع الزوائد، دار الكتب العلمية، بيروت.





پروفیسر شہناز گل خان
پرنسپل جامعہ اسلامیہ اسلامیہ